

# الگوی امنیت در جامعه اسلامی

## و سازوکار امر به معروف و نهی از منکر

(مقاله)

کلمات کلیدی: امنیت، امر به معروف و نهی از منکر، جامعه اسلامی، امنیت اجتماعی، جامعه دینی، مشروعیت

کلیدواژه‌ها: امنیت، امر به معروف و نهی از منکر، جامعه اسلامی، امنیت اجتماعی، جامعه دینی، مشروعیت

□ **چکیده:** امر به معروف و نهی از منکر از واجبات ضروری دین اسلام است و این فریضه به حدی مورد تأکید قرار گرفته که سعادت جامعه را در گسروی اجرای آن و ترک آن را موجب گمراهی و شقاوت دانسته اند. امر به معروف و نهی از منکر از گستره زیادی برخوردار است و در تمام شئون زندگی انسان قادر به دخالت می باشد. به همین علت در قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان نظارت همگانی، به موضوع یک اصل در آمده است. اجرای این فریضه مهم نیاز به مقدمات دارد و هدف از آن پیشبرد صحیح امور جامعه، چه در بعد آداری و چه در بعد عمومی زندگی می باشد. برای نیل به این هدف نظارت، لازم است که این نظارت عمدتاً دولتی باشد، یا به عبارتی بخش اعظم اجرای این فریضه به دولت واگذار شود. در حالی که دولت با ایجاد ساز و کارهایی در درون خود نسبت به اجرای آن همت نمی گمارد. تشکیل نهادی مستقل و با این عنوان ضرورتی ندارد بلکه باید این موضوع در خود سازمان ها نهادینه شود. این تحقیق تلاش دارد تا با بررسی الگوهای مختلف امنیت اجتماعی از منظر اسلام، راهکارهای پیاده سازی و اجرای آن را از طریق احیای امر به معروف و نهی از منکر، از منظر مدل سازی بررسی نماید. برای پاسخ به این سؤال ابتدا به تعریف و تبیین، بررسی شرایط، قلمرو و گستره امر به معروف و نهی از منکر پرداخته ایم. سپس با توجه به اصل هشتم قانون اساسی به تبیین آن اصل از بعد نظارت عمومی پرداخته شده و سپس با دسته بندی نظارت به درونی و بیرونی، مظاهر بیرونی نظارت را بر شمرده ایم و در انتها به تحلیل موضوع پرداخته و نتیجه لازم با توجه به تحلیل به دست آمده است.

□ **واژگان کلیدی:** امر به معروف، جامعه اسلامی، امنیت اجتماعی، جامعه دینی، مشروعیت امر به معروف و نهی از منکر، امنیت سازی.

۱. استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

## □ مقدمه:

برای حفظ هر جامعه و درامان نگه داشتن آن از فساد، انحراف و سقوط، در بعضی موارد نظارت گروهی خاص لازم است تا بر آنچه بر جامعه می گذرد نظارت کنند و جامعه را از رفتن به سوی فساد و انحرافات حفظ نمایند. این موضوع در اسلام به طور وسیع، حساب شده و منطقی، تحت طرح و جوب دو وظیفه بسیار مهم امر به معروف و نهی از منکر عنوان شده است.

این طرح و برنامه اگر درست پیاده شود، اهرمی نیرومند برای ریشه کن کردن فساد و عاملی استوار برای سوق دادن فرد و جامعه به سوی تکامل همه جانبه معنوی و مادی خواهد شد. بر همین اساس آیات و روایات بسیار، مسلمانان را به انجام این دو وظیفه مهم ملزم می کند و تأکید فراوان در حفظ آن دارد.

وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قبل از هر چیز یک برنامه الهی و از وظایف پیامبران است که در کتاب های آسمانی مورد تأکید قرار گرفته است. اگر کسی امر به معروف و نهی از منکر کند در حقیقت زیر پوشش همین برنامه قرار گرفته و در این راستا قدم بر می دارد.

بهترین دلیل بر اهمیت این دو وظیفه بزرگ، آنکه حفظ دین و جامعه با تمام ابعادش بستگی به آن دارد. به عبارت دیگر انسان ها در پرتو اجرای این دو وظیفه از پرتگاه سقوط نجات یافته و به سوی روح تکامل انسانی پر می گشایند. این دو وظیفه ضامن اجرای سایر وظایف فردی و اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و عبادی خواهد شد. در طول تاریخ اسلام آثار درخشانی که در پرتو این دو فریضة بزرگ هدایت آمده بی شمار است.

بی تردید اجرای همین دو وظیفه بزرگ بود که باعث پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) که خود منادی امر به معروف و نهی از منکر بود شد. اکنون که در عصر درخشان انقلاب اسلامی هستیم، با امکانات بیشتر هم می توانیم با ساختن جامعه ای نمونه، الگویی مناسب برای سایر جوامع اسلامی و حتی جوامع غیر اسلامی باشیم. ضمناً ساخت چنین جامعه ای در پرتو این دو وظیفه بزرگ امکان پذیر است.

## □ بیان مسأله:

امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت به منزله یک پوشش امن اجتماعی برای محافظت از جمعیت است، [۵:۴۷] زیرا اگر مسأله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد عوامل مختلفی که دشمن بقای "وحدت اجتماعی" هستند از درون، ریشه های اجتماع را می خورند و آن را از هم متلاشی می سازند. بنابراین حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست.

اسلام به تمامی آنچه در ایجاد و استقرار و اصلاح جامعه اسلامی و انسان مسلمان دخالت دارد، توجه کرده است. واگذاری مردم به خود و برخورد نکردن در برابر کج روی ها و عدم تلاش برای تحقق راستی ها به معنای نابودی جامعه اسلامی است. تذکر و تنبه و توجه همگانی مسئولیتی عمومی است که جامعه را اصلاح و از خطرها و گزندها محفوظ می دارد. بر پایه این حقیقت روشن است که امر به معروف و نهی از منکر در اسلام به عنوان یک تکلیف عمومی و نظارت همگانی واجب گشته است. نظارت همگانی، واژه ای شرعی و قانونی است که در سال های اخیر در فرهنگ سیاسی مردم ایران متداول شده است. این واژه بر این مفهوم استوار است که مردم صاحبان واقعی حکومت اند و حق دارند بر نحوه کار حکومت نظارت داشته باشند و در آن مشارکت کنند.

بنابراین با توجه به اهمیت امنیت اجتماعی در دین مبین اسلام، در نظام جمهوری اسلامی، امنیت مسلمین ارزش مضاعف دارد. چرا که فراتر از حق شهروندی است و به رسالت شهروند در قبال خود، جامعه و خداوند می انجامد. بر این اساس با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام سیاسی مبتنی بر اصول و اهداف دین مبین اسلام، مردم و نقش نظارتی آنان در نظام سیاسی مورد توجه قرار گرفت و در اصل هشتم قانون اساسی بر تحقق آن تأکید شده است.

## □ ضرورت و اهمیت تحقیق:

ضرورت توجه به امنیت جامعه اسلامی از طریق امر به معروف و نهی از منکر در جای جای قرآن مجید به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان مورد توجه قرار گرفته است که مهمترین آن "آیه ۱۰۴ از سوره آل عمران" می باشد. در این آیه تأکید شده که

"باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند."

در حدیث دیگری که از پیامبر گرامی اسلام نقل شده که درباب امنیت جامعه اسلامی، می فرمایند:

"باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خداوند، ستمگری را بر شما مسلط می کند که نه به پیران احترام می گذارد و نه بر خردسالان رحم می کند. صالحان شما دعا می کنند ولی مستجاب نمی شود و از خداوند یاری می طلبند، اما خدا به آنها کمک نمی کند و حتی توبه می کنند و خداوند از گناهانشان در نمی گذرد." [۵۲: همان]

این همه ناامنی ناشی از اعمال جمعی است که این وظیفه بزرگ اجتماعی را تعطیل کنند. زیرا بدون نظارت عمومی، جریان امور از دست نیکان خارج می شود و بدان میدان اجتماع را تسخیر می کنند و این که در حدیث فوق می فرمایند، حتی توبه آنها قبول نمی شود و به خاطر آن است که توبه با ادامه سکوت آنها در برابر مفاسد مفهوم صحیح ندارد. مگر این که در برنامه خود تجدید نظر کنند.

این همه تأکیدات به خاطر آن است که این دو وظیفه بزرگ در حقیقت ضامن امنیت فردی و اجتماعی است و در حکم روح و جان آنها محسوب می شود و با تطبیق آنها با تمام احکام و اصول اخلاقی، ارزش والای آنها مشخص می شود.

در خصوص اهمیت این دو فریضه همین بس که علی(ع) می فرمایند:

"تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از

منکر همچون آب دهان در برابر دریای پهناوری است" [۶:۲۱].

به طور کلی امن سازی جامعه دینی یکی از راه هایی است که اسلام برای مبارزه با گناه و انواع گوناگون فساد ارائه فرموده است. این قانون به تمام مسلمانان اجازه می دهد، بلکه آنها را موظف می سازد که بر اجرای قوانین الهی، مسئول باشند و اگر کسی را دیدند که قانون شکنی می کند، بی تفاوت و بی اعتنا نباشند. بلکه با روش عقلانی و صحیح در صدد اصلاح او برآیند و نهی از منکر کنند و از پیدایش ناامنی پیشگیری نمایند.

حضرت امام خمینی (ره) در این رابطه می فرمایند:

"کوشش کنید که احکام اسلام را هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همان طوری که هر شخص موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند."  
[۹:۲۸۵]

#### □ هدف تحقیق:

با نگرش به این که عملیاتی کردن اصل هشتم قانون اساسی متضمن امن سازی جامعه اسلامی ایران است. در پی آن هستیم که چگونگی عملیاتی کردن این اصل مهم و قانونی را بررسی نماییم.

#### □ سؤال تحقیق:

آیا برای عملیاتی کردن اصل امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی سازوکار خاصی لازم است؟  
این تحقیق برای پاسخ به این سؤال است که اجرای امر به معروف و نهی از منکر آیا نیاز به ستاد خاصی دارد یا خیر؟ و آیا با امکانات و الزامات موجود قابل اجرا می باشد.

#### □ تعریف مفاهیم تحقیق:

قبل از بررسی قلمرو امر به معروف و نهی از منکر بهتر است به تعریف این دو واژه پرداخته شود.

معروف در لغت به معنی "شناخته شده" (از ماده عرف) و منکر به معنی "ناشناس" (از ماده انکار) است. و به این ترتیب کارهای نیک اموری شناخته شده و کارهای زشت و ناپسند، اموری ناشناس معرفی شده اند، چه این که فطرت پاک انسانی با دسته اول آشنا و با دسته دوم نا آشنا است. [۵:۵]

سخن در رابطه با تعریف این دو واژه بسیار است اما به طور خلاصه، واژه "معروف" به معنی چیزی است که عقل و فطرت پاک، آن را به نیکی بشناسد و واژه "منکر" آنست که عقل و فطرت پاک آنرا به نیکی نشناسد، یعنی آنرا کار بد شناسد. به عبارت ساده کلمه معروف یعنی خوب و کلمه منکر یعنی بد.

این دو معنی خوب و بد دارای شاخه های بسیار است و تنها انحصار به آنچه که در ذهن، می آید، نیست. بهترین راه شناخت معروف و منکر به دست آوردن مصداق های معروف و منکر از طریق مراجعه به شرع مقدس، که همانا عقل خارجی می باشد، است. چنان که عقل در وجود انسان شرع داخلی است. بر این اساس هر چیزی را که شارع مقدس اسلام به آن امر کرد و مردم را به انجام آن تشویق نمود، آن چیز معروف است و بر عکس هر کاری که شارع مقدس از انجام آن نهی کرد و مردم را از انجام آن بازداشته و سرزنش نموده، آن چیز منکر است. این یک ضابطه و معیار است که دو واژه معروف و منکر را از یکدیگر مشخص می کند.

از بررسی آیات قرآن و جمع بندی از آن و همچنین روایات معتبر اسلامی چنین بر می آید که معروف و منکر از زندگی شخصی و احوال انفرادی یک نفر تا زندگی اجتماعی و همچنین بر ابعاد زندگی سیاسی، گسترش دارد. یا به عبارتی، هیچ چیزی در زندگی انفرادی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... انسانها نیست که از سیطره این دو واژه خارج باشد. برای نمونه تعدادی از اعمال معروف و منکر نام برده می شوند [۸۹-۸۴:۶]:

### الف: معروف

ایمان، تلاوت قرآن، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و شکیبایی، تقوا و پرهیزکاری، جهاد و شهادت، عدالت، مشورت و شورا، صراحت و قاطعیت در بیان حق، تحمل آسیب ها و گرفتاری ها در راه خدا، حفظ ارزش های اسلامی از تهاجم دشمنان، دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا، وفای به عهد و پیمان، قیام در راه خدا، آمادگی کامل و فراهم کردن مداوم اسباب کار برای جبهه گیری در مقابل دشمن و...

### ب: منکر

کفر، قتل نفس، مخالفت با راهنمایان دین، عصیان و گناه، محرم اسرار قراردادن کافران، نفاق و دورویی، ظلم و ستم، ارتجاع و عقب گرد، کرنش در برابر دشمن، اطاعت از کفار و پیروان آنها، کشمکش و نزاع در امور، فرار از جهاد و پشت کردن به دشمن در جنگ، تسلط کافران در شهرها، تبهکاری، دروغ گویی، خیانت، ایجاد اختلاف و...

در آیات قرآن مکرراً دستور داده شده که همواره در میان مسلمانان باید امتی باشد که این دو وظیفه امنیت ساز اجتماعی را انجام دهند: "مردم را به نیکی ها دعوت کنند و از بدی ها بازدارند".

نکته مهم در آیات مورد بحث، ذکر کلمه "امت" است. "امت" در اصل از ماده "ام" به معنی هر چیزی است که اشیاء دیگری به آن ضمیمه گردد. به همین جهت به جماعتی که وحدتی در میان آنها باشد، "امت" گفته می شود، خواه وحدت از نظر زمان یا از نظر مکان و یا از نظر هدف و مرام باشد. بنابراین به اشخاص متفرق و پراکنده امت گفته نمی شود. [۵:۴۷۰]

این دو از والاترین و شریف ترین واجبات هستند و به وسیله این دو واجب، دیگر واجبات برپا می شوند. وجوب این دو از ضروریات دین، و منکر وجوب آن در صورت توجه به لوازم انکار خود و پذیرش آن کافر خواهد بود. [۲:۳]

در رابطه با ضرورت ایمن سازی جامعه اسلامی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که:

"مادامی که امت من امر به معروف و نهی از منکر کنند و بر نیکی کمک نمایند، بر خیر هستند و زمانی که چنین نکردند برکات از ایشان گرفته می شود و بعضی از آنان بر بعضی دیگر چیره خواهند شد. در آسمان و زمین برای آنان یآوری پیدا نمی شود." [همان]

امام علی(ع) در بخشی از خطبه خود در ضرورت توجه به حقوق و حدود دیگران بر امر به معروف تأکید کرده و می فرماید:

"همانا امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از اوصاف پروردگارانند که نه اجل را نزدیک می کند و نه روزی را کاهش می دهد".

پیامبر اسلام(ص) در جای دیگر می فرماید:

"کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خداوند در زمین و جانشین پیامبر و کتاب اوست." [۵:۵۱]

امام خمینی(ره) که به حق احیاگر این دو واجب الهی در سده معاصر می باشد و در عمل و قول به احیای آن همت گماشته اند، گستره وسیعی را به موضوع امر به معروف و نهی از منکر اختصاص داده اند از جمله [۲]:

### الف) معروف ها:

- ۱- تشکیل مجامع دینی
- ۲- دفاع از فلسطین
- ۳- زنده نگه داشتن پانزده خرداد
- ۴- کمک به اعتصابیون در زمان شاه
- ۵- اتصال نظامیان به ملت
- ۶- پاسداری از عدالت
- ۷- راه انداختن کار مردم
- ۸- آزادی خواهی و استقلال طلبی
- ۹- تصدی امور برای رفع ستم
- ۱۰- ارشاد دولت

### ب) منکر ها:

- ۱- کشتار مسلمین
- ۲- کشف حجاب
- ۳- نفی حکم قرآن
- ۵- تسلط یهود و بهائیت
- ۶- مخالفت با احکام اسلامی
- ۷- پشتیبانی از اسرائیل
- ۸- کاپیتولاسیون
- ۹- سلطنت
- ۱۰- جشن شاهنشاهی
- ۱۱- زندان، تبعید و شکنجه مردم
- ۱۲- مسلط کردن اجانب بر مردم
- ۱۳- تغییر تاریخ اسلام
- ۱۴- مسلط کردن آمریکائی ها بر ملت
- ۱۵- تاراج ملت
- ۱۶- اختلاط زن و مرد



۱۷- رواج احکام غیر اسلامی در کشور

۱۸- اهانت به پیامبر

۱۹- مبارزه با اسلام

این ها و ده ها نمونه دیگر که از بیانات امام راحل (ره) در طول عمر پر برکت ایشان می باشند و عموماً در "صحیفه نور" جمع آوری شده اند، از موضوعاتی هستند که تحت عنوان معروف و منکر می توان نام برد. این موارد نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر گستره وسیعی دارد و از امورات شخصی افراد گرفته تا موضع گیری های سیاسی آنان را شامل می شود. پس آنچه که امروزه در برخی محافل حتی محافل رسمی مشاهده می شود به عنوان "گسترش محرمات" که همانا بد حجابی، اختلاط زن و مرد و مواردی از این قبیل، می شود تنها گوشه کوچکی از منکرات است. ولی متأسفانه منکرات اصلی که همانا اشاعه فساد و رشوه خواری، اعمال نفوذ، باندبازی در واگذاری مشاغل و مسئولیت ها، موضع گیری های سیاسی که باعث ناامیدی مردم می شود، بدبین نمودن مردم به نظام اسلامی از طریق گفتار و نوشتار، بی توجهی به ظلم هایی که به مسلمین می رود، قومیت گرایی، و... نادیده گرفته می شوند. در حالی که هدف اصلی اسلام از طرح این دو واجب بزرگ توجه به این مسائل می باشد. آنجایی که پیامبر اسلام (ص) می فرمایند:

**"اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید، خداوند ستمگری را بر شما مسلط خواهد کرد."**

مسئله اشاره پیامبر صرفاً به مسائل اخلاقی به معنای عام و امروزی آن نبوده است. بلکه اشاره آن حضرت به اعمال دولت ها و حکومت گران می باشد. زیرا که این روایت دقیقاً ناظر بر نظارت مردم بر اعمال حکومت گران می باشد. ضمن این که نباید هیچ یک از محرمات کوچک شمرده شود ولی باید برای مبارزه با آن اولویت ها را در نظر گرفت. اولویت نیز از حکومتیان شروع می شود. زیرا که اگر حکومتیان مبادی معروف شوند یقیناً جامعه را به سوی معروف هدایت خواهند کرد.

#### □ بررسی موضوعی و محیطی تحقیق:

جمعی از دانشمندان اسلامی معتقدند که وجوب این دو وظیفه تنها با دلیل نقلی

ثابت شده و عقل فرمان نمی دهد که انسان دیگری را از کاری که زیانش تنها متوجه خود اوست باز دارد. [۵:۵۰]

ولی با توجه به پیوندهای اجتماعی و این که هیچ کار بدی در اجتماع انسانی در نقطه خاص محدود نمی شود، بلکه هر چه باشد همانند آتش ممکن است به نقاط دیگر سرایت کند، عقلی بودن این دو وظیفه مشخص می شود. به عبارت دیگر، در اجتماع چیزی به عنوان ضرر فردی وجود ندارد و هر زیان فردی امکان این را دارد که به صورت یک زیان اجتماعی درآید. به همین دلیل منطقی و عقلی به افراد اجتماع اجازه می دهد که در پاک نگه داشتن محیط زیست خود از هرگونه تلاش خودداری نکنند. امام خمینی (ره) نیز امر به معروف را عقلی و شرعی می داند و در این زمینه می فرمایند:

*"هر یک از امر و نهی به واجب و مستحب تقسیم می شوند. پس هر چه از نظر عقل و شرع واجب است، امر به آن واجب و هر چه از نظر عقل قبیح و یا در شرع حرام است نهی از آن واجب است."*

فقها و علمایی که معتقد به وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر هستند می گویند: "عقل بر اساس "قاعده لطف" در این باره استقلال دارد و حکم می کند بر این که امر به نیکی ها و نهی از بدی ها واجب و لازم است. پس وجوب این دو فرضیه عقلی است [۶:۹۵]. یعنی خداوند از روی "قاعده لطف" در وجود انسان نیرویی به نام "عقل" قرار داده است. که همان عقل حکم می کند که انسان ها باید یکدیگر را به انجام نیکی ها و اجتناب از بدی ها وادار و ملزم نمایند. هر چند که بر این اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر واجب عقلی است ولی حدود و مراتب و مراحل امر به معروف و نهی از منکر از ناحیه شرع مقدس ثابت می شود. زیرا روشن است که عقل به آن خصوصیات که در مراتب و مراحل امر به معروف و نهی از منکر است، راه نمی یابد. در این رابطه برابر آنچه که از حضرت امام خمینی (ره) در این نوشتار آورده شده، نظر معظم له نیز بر این می باشد که این دو فرضیه وجوب عقلی و شرعی دارد.

### **عینی یا کفایی بودن امر به معروف و نهی از منکر**

مبحث عینی یا کفایی بودن این دو فرضیه با توجه به هدف این نوشتار از مباحث مهم است. زیرا آنچه که مبنای این نوشتار است بحث نظارت عمومی

است که با این فرض محدودیتی از نظر نظارت همگانی وجود ندارد. علیرغم این، در خصوص عینی یا کفایی بودن انجام این فریضه، محل اختلاف است و برخی فقها به کفایی بودن آن و دسته ای دیگر از فقها آن را واجب عینی می دانند.

با نگرش به گستردگی موضوع امر به معروف و نهی از منکر و به ویژه در حکومت اسلامی که کارگزاران و مسئولان باید به وظایف خاص خود بپردازند و در هر وظیفه خاص با توجه به تخصصی بودن و یا سایر ملاحظات آن به ویژه ملاحظات امنیتی، نظامی و سیاسی، تکیه بر یک نظر، کافی نمی باشد. بلکه الزامات حکومت اسلامی ایجاب می نماید که در انجام این دو فریضه هم به عینی و هم به کفایی بودن آن توجه شود. آن جایی که بحث نظارت همگانی بر اعمال یکدیگر و اعمال دولتیان و بر عکس می باشد، عینی بودن آن مطرح است. اما در جایی که این نظارت تخصصی می شود، مثلاً در جایی که ارتباط به مسائل امنیتی و نظامی و موارد مشابه پیدا می کند، نظارت کفایی کاربرد دارد. بدین معنی که باید در خصوص این قبیل معروف ها و منکرها افرادی متخصص نظارت نمایند که لازمه آن تأسیس "سازمان های تخصصی" است و آیه قرآن نیز می تواند تا حدی مبین این نظر باشد. زیرا در آیه ۱۰۴ سوره "آل عمران" تأکید شده که از میان مسلمانان همواره امتی باشند تا به این مسئله بپردازند. پس می توان نتیجه گرفت که موارد بسیاری وجود دارد که در آن، به مقدمات و تجهیزات برای زمینه سازی و توسعه و گسترش و تکمیل آنها در جهت معروف و نیکی ها و آماده سازی عوامل و تجهیزات رفع و دفع، در جهت منکرات توجه شده است. در این صورت که این دو فریضه پشت عینک وسیع در سطح عالی دیده می شود، وجوب آن، وجوب عینی خواهد شد. یعنی بر هر فرد مکلفی واجب است تا آخرین توان خود برای به دست آوردن این هدف وسیع اقدام و قیام و تلاش بی وقفه و خستگی ناپذیر داشته باشد. اما در دایره محدودی که توجه آن به نیکی یا نیکی های خاص است که در جامعه ترک شده یا ترس ترک آن است و یا بدی های خاص که فعلاً در جامعه وجود دارند یا ترس پیدایش آنهاست، در این صورت وجوب امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی خواهد شد.

حضرت امام خمینی(ره) در بحث نظارت عمومی تا حدودی بر وجوب عینی این نظارت تأکید دارند ضمن این که معتقدند که اقدام بر انجام این فرایض، وجوب کفایی است و می فرمایند:

"اگر بر پایی واجبی با از بین بردن منکری متوقف بر اجتماع گروهی درامر و نهی باشد، به واسطه اقدام بعضی، وجوب آن از دیگران ساقط نمی شود، بلکه واجب است به اندازه نیاز، اجتماع نمایند. [۲:۲۴]"

با این توصیف حضرت امام(ره) به هر دو نوع وجوب نظر داشته و بحث تخصصی برخی از معروف ها و منکرها را نیز می توان از نظر ایشان استنباط نمود.

### مراحل ایمن سازی جامعه اسلامی

در زمینه مراحل ایمن سازی جامعه اسلامی "حکمت ۳۷۳ نهج البلاغه" کامل ترین مراحل این دو فریضه را بیان می نماید. حضرت علی (ع) می فرمایند:

"ای مومنان هر کسی تجاوزی را بنگرد و شاهد دعوت به منکری باشد و در دل آن را انکار کند خود را از آلودگی سالم داشته است. و هر کس با زبان آن را انکار کند پاداش داده خواهد شد و از اولی برتر است. و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا بلند و گفتار ستمگران پست گردد، او راه رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده است."

آن حضرت در "حکمت ۳۱" پس از ذکر پایه های ایمان، جهاد را به عنوان چهارمین پایه ایمان ذکر و امر به معروف و نهی از منکر را از پایه های جهاد آورده است. شایان ذکر است که فقها نیز عمده تاً امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان بانی از کتاب جهاد آورده اند.

### شرایط پیاده سازی جامعه امن

این بخش نیز با توجه به هدف از نوشتار حاضر از بخش های مهم در تجزیه و تحلیل نهایی می باشد.

برابر اقوال معروف، شرایط شکل گیری امنیت اجتماعی چهار چیز است:

۱- آگاهی به معروف و منکر از دیدگاه شرع مقدس

۲- شرایط تأثیر

۳- اصرار بر گناه از طرف گناهکار

۴- عدم ضرر جانی و مالی و آبرویی

در خصوص هریک از شرایط فوق، اجماع نظر میان فقها وجود ندارد، بلکه اختلاف نظر هست. در خصوص شرط اول هر چند که در آگاهی از معروف و منکر بین علما اتفاق نظر وجود دارد ولی این که یادگیری معروف و منکر به منظور انجام این دو فریضه واجب هست یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد. در این نوشتار نگارنده با نظر وجوب یادگیری معروف و منکر موافق است زیرا که امر به معروف و نهی از منکر به طور مطلق و بدون هر گونه قیدی وارد شده است و مقید کردن آن نیاز به دلیل دارد و چنین دلیلی وجود ندارد که مقید شدن آن را توجیه نماید. ظاهر تعلیل فقها نیز ما را به همین مطلب راهنمایی می نماید. زیرا ظاهر این است که دستور امر به معروف و نهی از منکر مستلزم تحصیل شرط آن نیست، ولی بعد از احتمال وقوع در منکرات و ترک معروف در مورد جاهل، بر او واجب است که نخست علم به معروف و منکر را بیاموزد، سپس امر به معروف و نهی از منکر کند. آنچه که در بالا آمد برابر نظر شهید ثانی می باشد [۱۳۰:۶]. به طور خلاصه مشخص شد که تعدادی امور از دیدگاه شارع مقدس، معروف و تعدادی منکر می باشند. و نیز شارع مقدس با تأکیدات رسا و شدید ما را به دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر فرمان داده است. یعنی به ما دستور داده که مردم را به هر وسیله مشروعی به کارهای نیک سوق دهیم و از کارهای بد باز داریم و نیز عده ای از مردم در اجتماع، ترک کارهای نیک می کنند و عده ای کارهای حرام را به جا می آورند. در این صورت به حکم عقل بر ما واجب است تحصیل و آگاهی به کارهای نیک و بد به عنوان مقدمه برای پذیرفتن فرمان شارع مقدس مانند مقدمات سایر احکامی که مورد ابتهای ما هستند (مانند نماز، روزه و...) و این مطلب روشن است.

اما در خصوص احتمال تأثیر تقریباً اجماع وجود دارد ولی برخی فقها شرحی را بر آن دارند که درست به نظر می آید.

آنچه که هدف شارع مقدس در مورد امر به معروف و نهی از منکر است، آن امر و نهی است که تأثیری در ایجاد نیکی و ناپودی بدی داشته باشد. در این صورت بر ما واجب است. مثلاً برای این تأثیر زمینه سازی کنیم و مقدمات آنرا فراهم سازیم. همان گونه که شارع مقدس، ما را به جهاد با دشمن فرمان داده و به حکم عقل بر ما واجب است که آنچه می توانیم وسایل جنگی فراهم نمائیم با دشمنان خدا و

دشمنان خود را به وسیله آن مرعوب سازیم. و هر قدر که دشمن قوی تر باشد آماده کردن وسایل و نیروهای جنگی و انسانی لازم تر و واجب تر است. هم چنین است وقتی که شارع مقدس ما را به امر به معروف و نهی از منکر فرمان داد که نوعی از جهاد و مبارزه است. همان طور که علی(ع) در "حکمت ۳۱" می فرماید:

**"جهاد از ایمان و دارای چهار شعبه است. امر به معروف و نهی از منکر، راستی در معرکه نبرد، کینه و دشمنی با فاسقان."**

بنابراین بر ما لازم است که برای تأثیر امر به معروف و نهی از منکر مقدمات لازم را فراهم نموده و به زمینه سازی بپردازیم. به عبارت دیگر جهادی که بر مسلمانان واجب است، دو گونه می باشد: [۶:۱۴۶]

۱- جهاد با دشمنان دین که در خارج از جامعه اسلامی زندگی می کنند و در طرح نقشه های خائنانه بر ضد اسلام هستند. و در مورد مسلمانان از هر گونه شر و بدی کوتاهی نمی نمایند.

۲- جهاد به وسیله امر به معروف و نهی از منکر که جهاد و مبارزه با فساد در محیط داخل جامعه اسلامی است. مبارزه با آنان که به کارهای نیک اهمیت نمی دهند و از انجام مفاسد و زشتی ها باکی ندارند و دین را بازیچه هوس های خود قرار داده اند. واضح این است که جهاد در هر دو قسم مذکور، نیاز به فراهم کردن نیرو و آماده نمودن مقدمات و زمینه سازی دارد و در این مطلب هیچ گونه ابهامی نیست.

به طور خلاصه این که دو فریضه ای که اجرای سایر فرایض و واجبات و امنیت راه ها و حلال شدن داد و ستد مردم و رد حقوق هر کس به صاحبش و انتقام گیری از دشمنان دین و رو براه شدن امور زندگی، در پرتو آن دو فریضه، محقق می شود، مسلماً نیاز به زمینه سازی و آماده نمودن مقدمات و وسائل اثر بخش در وصول به هدف دارد.

در این رابطه عالم بزرگ "شیخ انصاری" در کتاب "مکاسب محرمه"، در بحث ولایت از ناحیه حاکم ظالم پس از نقل فرازهایی از گفتار فقها و شرح گسترده در باب تهیه ابزار اثر بخشی این دو فریضه، تا آنجا پیش می رود که به دست آوردن حکومت اسلامی را به عنوان مقدمه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر واجب می داند [۱۴۸: همان].

همچنین صاحب "جواهر" نیز می فرمایند:

"وقتی ممکن نباشد دفع و نابود کردن فساد و یا امر به معروف، مگر در پرتو ولایت (و حکومت اسلامی)، تحصیل ولایت واجب است، در صورتی که فرض کنیم امر و نهی منحصر به شخص مخصوص است، در این صورت بر او واجب است عهده دار مسئولیت ولایت شود. بلکه برای به دست آوردن آن با فراهم کردن مقدمات آن، زمینه سازی نماید، حتی اگر ولایت بستگی به آشکار نمودن صفات و ویژگی هایی داشته باشد، باید آن را آشکار نماید تا بدین وسیله حکومت اسلامی را برقرار سازد.  
[همان]

از مطالب قبل روشن شد که هدف بزرگ امر به معروف و نهی از منکر، به فرض این که فعلاً تأثیر ندارد ساقط نمی شود. امر به معروف و نهی از منکر تا وقتی که زمینه سازی و فراهم نمودن مقدمات تأثیر ممکن باشد، هم چنان باقی است. واضح است که از بزرگترین وسایل تأثیر و مقدمات آن توانایی و نیرو است. چرا که روشن است که غالباً امر و نهی بدون قدرت نیروی امر و نهی کننده، اثر بخش نیست و در این صورت تحصیل قدرت به عنوان مقدمه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر، واجب است. واضح است که قدرتی که موجب چنین تأثیری می شود، عام است و شامل قدرت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می شود. در نتیجه لازم است که چنین قدرت و امکاناتی را در جهات گوناگون کسب کرد.

بنابراین شناسایی موانع تأثیر نیز واجب می شود. برای نمونه آیا اختلاف و کشمکش و نزاعی که بین مسلمانان است در برابر اتحاد دشمنان دین و استعمارگران مانع است؟ که در این صورت روشن است که باید تلاش پیگیر و همه جانبه در جهت علاج آن صورت پذیرد. زیرا اتحاد و هماهنگی و همکاری نقش بزرگی در تحصیل قدرت خواهد داشت. چنان که به عکس، اختلاف و تفرقه اثر بسزائی در ایجاد فاصله و از هم پاشیدگی و از بین رفتن شرف و شکوه مسلمین دارد. اگر مانع سر راه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر، ضعف و نداشتن قدرت مسلمانان از جهت تجهیزات مالی و نظامی و اقتصادی و لشکری است، در این صورت به ناچار باید در رفع این مانع تلاش جدی و پیگیر نمود و می بایست مسلمانان با تقویت کردن جنبه های مالی و به وجود آوردن نظام اقتصادی کامل و آنچه را که توان

دارند از نیروها، مرکب ها، اسلحه ها، وسایل تحصیل نیرو و قدرت و امکانات همه جانبه فراهم نمایند.

اما در خصوص شرط آخرین امر به معروف و نهی از منکر یعنی عدم وجود ضرر، این موضوع بنا به نقل فقها، عمومیت ندارد و در این رابطه، نظر امام خمینی (ره) بر این است که:

"هر گاه معروف (نیکی) و منکر (بدی) از اموری باشند که شارع مقدس به آن اهمیت می دهد، مانند حفظ جان قبیله ای از مسلمانان و حفظ ناموس آنها و یا حفظ اسلام از دستبرد، نابودی و محو حجت اسلام به گونه ای که موجب گمراهی مسلمانان یا نابودی بعضی از شعائر اسلام، مانند خانه خدا، به طوری که آثار آن و محل آن و امثال آن را نابود سازند، در این گونه موارد، باید با مقایسه اهم و مهم آنچه مهمتر است، را در نظر گرفت و دنبال کرد و مطلق ضرر، گرچه ضرر جانی باشد و یا مطلق حرج (مشقت) موجب رفع تکلیف امر به معروف و نهی از منکر، نخواهد شد. بنابراین اگر بیا داشتن حجت های اسلام به گونه ای که باعث دفع و رفع گمراهی ها شود، بستگی به فدا کردن جان یا جان ها داشت، ظاهر این است که این فداکاری واجب است. در این صورت تحمل ضررهای غیر جانی و یا مشقت ها به طریق اولی واجب می باشد."

### امر به معروف و نهی از منکر و سازمان های نظارتی

#### (۱) تاریخچه امر به معروف و نهی از منکر

در گذشته در کشورهای اسلامی تشکیلاتی تحت عنوان محتسبی وجود داشته است که به موضوع امر به معروف و نهی از منکر می پرداختند.

"ابن خلدون" در "مقدمه" خود موضوع را چنین شرح می دهد:

"محتسبی وظیفه ای دینی از باب امر به معروف و نهی از منکر است که بر عهده داران امور مسلمانان واجب است. این پایگاه را به کسی که شایسته این مقام باشد اختصاص دهند و او را به وجوب آن ملزم سازند. آنگاه محتسب به منظور انجام دادن این امر، همراهان و یارانی برای خود برمی گزیند و در باره منکرات و اعمال خلاف به جستجو می پردازد و مرتکبان را فراخور عمل آنان تعزیر و تادیب می کند و مردم را به حفظ مصالح عمومی شهر وامی دارد اموری از قبیل منع کردن آنان



از تنگ کردن و گرفتن کوجه ها و معابر و جلوگیری از بار بران و کشتیبانان در حمل کردن بارهای سنگین تر از میزان مناسب و فرمان دادن به صاحبان خانه های مخروبه مشرف بر خیابان که آنها را خراب کنند تا مبادا برای رهگذران خطری روی دهد و منع معلمان مکاتب و غیره از شدت نشان دادن در زدن کودکان نوآموز. حکم محتسب در منازعه با تجاوز افراد بر یکدیگر متوقف نمی شود. بلکه در خصوص اموری که به وی می رسد او را حکم و نظر می باشد. در بحث طلاق او نمی تواند حکم دهد بلکه در آنچه متعلق به زراندوزی و تدلیس در امور معیشت مردم و روی دهد و هم چنین در پیمانها و اوزان حکم می کند و مسامحه کاران در پرداخت دین و مانند آنها را به انصاف و اداری می کند و نظایر این گونه امور بر عهده اوست که نیازی به شنیدن شهادت و دلیل یا اجرا کردن حکمی ندارد.

در حقیقت محتسب اموری را انجام می دهد که از لحاظ تعمیر و سهولت اعراض، قاضی از آنها دوری می جوید. از این رو این گونه امور را به وی می سپارند تا از این راه به منصب قضاوت خدمت کند. و این وظیفه در بسیاری از دولت های اسلامی مانند "عبیدیان مصر و مغرب" و "امویان اندلس" داخل در کارهای عمومی منصب قضا بود و از وظایف قاضی به شمار می رفت و او کسی را به انتخاب خودش برای این امور تعیین می کرد. سپس هنگامی که وظیفه سلطان از خلافت جدا شد و در امور سیاست کشور به طور عموم نظارت و مراقبت می کرد، این وظیفه هم جزو دیگر وظایف پادشاه می شد و به صورت یک منصب و پایگاه مستقل درمی آمد. /۴۳۳-۴۳۲/۱"

با توجه به مفاد بالا به نظر می رسد که در گذشته اداراتی به منظور اجرای امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته است. در حال حاضر هم برابر اخبار منتشره دولت افغانستان تصمیم به تأسیس وزارت امر به معروف و نهی از منکر گرفته است. برای نظارت در پیشبرد صحیح امور در اسلام دو نوع نظارت پیش بینی شده است:

**۱- نظارت درونی:** در اسلام شرایط لازم برای احراز مسئولیت های نظام اسلامی بسیار دشوار است. این همه سخت گیری در نظارت درونی به لحاظ اهمیت این موضوع است. چرا که نظارت های بیرونی هر قدر هم قوی باشند باز هم در کنترل

طغیان گری آدمی کافی نیستند و اگر نظارت های بیرونی در نهایت به نظارت درونی متکی نباشند، این سلسله از حاکم تا ناظر و ناظرین بر ناظرادامه پیدا می کند. کنترل درونی بدون نیاز به هیچ نظارت بیرونی، می تواند انسان را از گناه و تخلف از قوانین و سوء استفاده از قدرت باز دارد.

نقش نظارت درونی در پیشرفت صحیح اجتماع و رسیدن به سعادت بر هیچ کس پوشیده نیست که با نگرش به عدم ارتباط با موضوع نوشتار بیش از این به آن پرداخته نمی شود.

**۲- نظارت بیرونی:** نظارت بیرونی بر قدرت سیاسی مبتنی بر این اصل است که حاکم جامعه، خود را در برابر مردم مسئول و پاسخگو بداند. اگر حاکمی مردم را تنها موظف بداند و خود را فقط در برابر خداوند مسئول بداند و تنها خود را صاحب حق بیندارد، طبعاً نظارت مردم را بر عملکرد خویش نخواهد پذیرفت.

نظارت بیرونی تنها منحصر بر قدرت سیاسی نیست، بلکه این نظارت از طریق مردم بر مردم، مردم بر دولت و دولت بر مردم می باشد که این موضوع در اصل هشتم قانون اساسی تصریح شده است. این اصل که در واقع همان امر به معروف و نهی از منکر می باشد وظیفه ای همگانی در جهت رواج خوبی ها و جلوگیری از گسترش زشتی ها در جامعه اسلامی است. این وظیفه اختصاص به قشر خاصی نداشته و همگان برای سالم سازی جامعه مسئولیت دارند. برخی از قشرها مانند علمای امت که جایگاه خاص و از مصالح و مفاسد، آگاهی بیشتری دارند، در این زمینه مسئولیت بیشتری بر عهده دارند.

یکی از اهرم های نظارت تبیین همین وظیفه عمومی است. مردم همان طوری که موظف به انجام خوبی ها و ترک بدی ها هستند، در رواج نیکی ها و محو بدی ها در جامعه نیز مسئول اند و وظیفه دارند تا یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنند. حاکمان نیز مشمول این وظیفه عمومی اند. جایگاه ایشان در جامعه، موجب نمی شود که مردم عادی نتوانند به آنان امر و نهی کنند. امام خمینی (ره) همواره به مردم توصیه می کردند که مراقب قدرت طلبی و مال طلبی و مال اندوزی مسئولان جامعه باشند و اجازه ندهند قشرهای مرفه به قدرت برسند و اعمال و رفتار مسئولان جامعه را زیر نظر داشته باشند [۷:۲۸۳].

در جامعه اسلامی مردم بر طبق فرمایش پیامبر اکرم(ص) "کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیه" همه مسئول خود و دیگرانند.

حضرت امام (ره) نیز مردم را موظف به مراقبت از اعمال یکدیگر، به خصوص اعمال و عملکرد مسئولان جامعه می دانستند و جامعه اسلامی را که در آن کسی نمی تواند به مردم زور بگوید، الهی می شمردند.

### □ تجزیه و تحلیل عوامل اجرایی موضوع:

اولین سنوالی که در زمینه اجرای امر به معروف و نهی از منکر به ذهن متبادر می شود، این است که آیا امر به معروف و نهی از منکر موجب سلب آزادی نمی شود؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت با این که به طور مسلم زندگانی دسته جمعی برای افراد بشر فوائد و برکات فراوانی دارد و حتی این نوع مزایا انسان را وادار به زندگانی اجتماعی کرده است، ولی در مقابل آن محدودیت هایی نیز برای او به بار می آورد. چون در برابر فوائد بی شمار زندگی دسته جمعی، ضرر این نوع محدودیت ها، جزئی و ناچیز است. بنابراین بشر از روز اول تن به زندگی اجتماعی داده و محدودیت ها را پذیرفته است. و از آنجا که در زندگی اجتماعی سرنوشت افراد به هم مربوط است و به اصطلاح افراد در سرنوشت یکدیگر اثر دارند، حق نظارت در اعمال دیگران حق طبیعی و خاصیت زندگی دسته جمعی است. بنابراین انجام این فریضه نه تنها با آزادی های فردی مخالف نیست بلکه وظیفه ای است که افراد در مقابل یکدیگر دارند.

دومین سؤالی که در این فریضه به ذهن می آید، این است که آیا امر به معروف ایجاد هرج و مرج نمی کند؟

پاسخ به این سؤال نیاز به توضیح بیشتر دارد و شاید یکی از دغدغه های مهم اجرای این اصل از قانون اساسی باشد. گفته می شود که اجرای این دو فریضه آثار منفی و آثار مثبت دارد. [۳]

### الف) آثار منفی

آثار منفی آن، این می باشد که ممکن است عده ای با تمسک به این اصل موجب شوند که زشتی ها و نابسامانی های جامعه آشکار شده و فسادهای پنهان

برخی، آشکار و قبح مسائل سوء و زشتی آن از بین برود. نتیجه منطقی آن این خواهد شد که زمینه گرایش به فساد در جامعه به وجود آید. از طرف دیگر گروه بازی های سیاسی با دستاویز قرار دادن این فرایض، با روکردن مشکلات رقیبان خود به جهت از میدان خارج کردن آنان، باعث سلب اعتماد مردم از مسئولین و سلب آرامش آنان می شوند. در نتیجه یاس و دلسردی مردم از مسئولین نظام را باعث می شوند. دغدغه دیگر این است که ممکن است گروهی ولو با هدف سالم سازی جامعه با دخالت در امور مدیران و مسئولین، اجرای امور را با هرج و مرج روبرو نمایند و در نهایت باعث این شوند که نظام در اجرای امور مردم ناکار آمد جلوه نماید.

با دقت در این امور به طور یقین روشن می شود که احتمال هر یک از موارد بالا وجود دارد. اما در شرع مقدس اسلام برای جلوگیری از این پیشامدها، پیش بینی های لازم انجام شده است. از بخش های گذشته روشن شد که امر به معروف و نهی از منکر دارای دو مرحله است: مرحله نخست که جنبه عمومی دارد، شعاع آن محدود است و از تذکر و اندرز دادن و اعتراض و انتقاد نمودن و مانند آن تجاوز نمی کنند. مسلماً یک اجتماع زنده باید تمام نفراش در برابر مفاسد، دارای چنین مسئولیتی باشند.

ولی مرحله دوم که مخصوص جمعیت معینی است و از شئون حکومت اسلامی محسوب می شود، قدرت بسیار وسیعی دارد. به این معنی که اگر نیاز به شدت عمل و حتی قصاص و اجرای حدود باشد، این جمعیت اختیار دارند که زیر نظر حاکم شرع و متصدیان حکومت اسلامی انجام وظیفه کنند. بنابراین توجه به مراحل مختلف این فرایض و در صورت تقسیم بندی صحیح امور اجرایی نه تنها هرج و مرجی در جامعه تولید نمی شود؛ بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده و فاقد تحرک بیرون آمده و به یک جامعه زنده تبدیل می شود.

علی رغم توضیح بالا هنوز هم دغدغه هرج و مرج وجود دارد. به ویژه که موضوع دخالت در امور مدیران یکی از موارد مهم است که باعث سلب اختیار و مسئولیت از مدیر می گردد و او را نسبت به انجام وظایف خود دلسرد و ناتوان می سازد که این بخش نیاز به توضیح و تبیین بیشتری دارد.

امام خمینی (ره) نیز این دغدغه را داشته اند. در همین زمینه در بیاناتی که در جمع گروهی از علما، ائمه جماعات و روحانیون در مورخ ۶۱/۳/۳۰ داشته اند می فرمایند:

"مأمورینی که از دولت می آیند، در هر جا مأمورین دولت اسلامی است. اگر خدای ناخواسته از یک مأمور که من حیث این که درست اطلاع بر مسائل ندارد یا اشتباه می کند یک مطلبی بر خلاف ذاتقه شماست، بر خلاف مسائل اسلامی است، از او صادر بشود، مقابله نکنید، تضعیف نکنید، او را نصیحت کنید. اگر چنانچه نصیحت را گوش نکرد به مصادرات امور مراجعه کنید. ائمه جمعه بلاد، نصب و عزل نکنند و کسانی که در بین ارتش یا سایر ارگانها، انجمن های اسلامی دارند، اینها دخالت های غیر چیزهایی که بر عهده آنها نیست، نکنند، ارشاد کنند او را. ارشاد بکنند مأمورین دولت را و همه کسانی که در پیش آنها هست، آنها را ارشاد بکنند و اگر چنانچه کسی هم گوش به ارشاد نداد، به مصادرات امور که مسئولیت دارند مراجعه کنند، حل خواهد شد. برای حفظ حیثیت اسلام که شما ها پاسدار آن هستید و حفظ حیثیت جمهوری اسلامی که شماها نگهبانان آن هستید، از کارهایی که نباید انجام بدهید و از کارهایی که در امور اجرایی است که با کس دیگری است که انجام بدهد، مستقیماً عمل نکنید، ارشاد بکنید همه را، نظر ارشادی داشته باشید. در یک مطلب اشتباهی که از یک استاندار واقع شده یا از یک فرماندار، در منابر نبرید این را آبروی او را بریزید. این امری است که خدا راضی نیست، به او بگویید در خلوت و با او تفاهم کنید و از او بخواهید که رویه خود را تغییر بدهد. اگر نداد، به مصادرات امور مراجعه کنید. مستقیماً بخواهید این کار را نکنند. حیثیت جمهوری اسلامی و حیثیت اسلام در دنیا لکه دار خواهد شد و شما حافظ این حیثیت هستید و فریضه است برای همه ما حفظ حیثیت این جمهوری اسلامی. شما می بیند که امروز همه قلم ها و همه زبان ها از ابر قدرتها یا دولت های مرتبط به آنها، بر ضد این جمهوری اسلامی تجهیز شدند و همه با یک رویه خاصی عمل دارند می کنند، ما دیگر بهانه به دست آنها ندهیم."

همان طوری که از محتوای کلام امام بر می آید، حضرت امام (ره) تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک واجب دارند، اما به موضوع هرج و مرج و نابسامانی ناشی از آن نیز توجه جدی مبذول داشته و آمران به معروف را از دخالت مستقیم در امور منع و آنان را صرفاً به ارشاد و نصیحت (یعنی قسمت اول امر به معروف و نهی از منکر) دعوت می کردند و اجرای آن را به مصادر امور واگذار می نمودند و تأکید بر این که اگر نپذیرفتند به مصادر امور مراجعه کنید در زمینه جلوگیری از هرج و مرج و دخالت در امور که نتیجه ای جز سکون و عدم پیشرفت امور ندارد، بوده است.

### (ب) آثار مثبت

آثار مثبت امر به معروف و نهی از منکر فراوان است و بهترین آن در بیان معصومین (ع) می باشد. در این زمینه "امام باقر(ع)" می فرماید:

"امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که فرائض دیگر با آنها بر پا می شوند و به وسیله این دو، راه ها امن می گردد و کسب و کار مردم حلال می شود، حقوق افراد تامین می گردد و در سایه آن، زمین ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می شود و در پرتو آن همه کارها روبراه می گردد."

با توجه به این، چنانچه امر به معروف و نهی از منکر برابر اصول و روشی که در شرع مقدس تبیین و تشریح شده است، انجام شود نه تنها موجب هرج و مرج و سلب آزادی دیگران نخواهد شد، بلکه آثاری از خود بر جای خواهد گذاشت که نتیجه آن آرامش و اطمینان جامعه است. زیرا که اگر مردم در یابند که ناظرانی وجود دارند که بر امور نظارت کنند و مانع تخلف و گناه مردم شوند، مانع زورگویی و قلدری گردنکشان شوند و مانع همه قسم از این منکرها شوند، قطعاً آرامش می یابند و آرامش مردم موجب پیشرفت می شود.

### □ مدل اجرایی موضوع تحقیق:

اما صرف نظر از این و با توجه به دغدغه های درستی که از اجرای این فرایض وجود دارد چه باید کرد؟ آیا می توان اجازه داد که برخی به بهانه امر به معروف و نهی از منکر موجب سلب امنیت و آزادی دیگر مردم شوند و یا در امورات اداری دخالت نمایند و مانع اجرای صحیح امور شوند، و یا موجب ریختن آبروی دیگران و

حتک حرمت آنان شوند و دهها مورد دیگر؟ و یا از طرفی آیا می توان با بهانه های بالا دستور بر تعطیلی این حکم الهی داد؟ جواب به خوبی مشخص و مسلماً منفی است. پس چه راه هایی جهت اجرای این فریضه وجود دارد؟

از عبارت امر به معروف و نهی از منکر چنین بر می آید که این دو برمبنای امر و نهی می باشند و گویای این نکته است که باید در پشت آن قدرت اجرایی وجود داشته باشد تا بتواند آن را به مرحله عمل برساند. و با دعوت به خیر که امری عمومی است و همگان می توانند آن را انجام دهند تفاوت دارد. [۸].

حال چه موضوع بالا به طور صد در صد باشد یا خیر، اما واقعیت این است که امر به معروف و نهی از منکر باید اثرگذار باشد و برای اثر هم نیاز به مقدماتی است که آن مقدمات، قدرت می باشد؛ یا به عبارتی در امر به معروف و نهی از منکر یک اختیار وجود دارد که اگر امر به معروف اثر گذار نبود از آن اختیار می توان مدد گرفت.

هر چند که آیات قرآن بر عام بودن امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد ولی همین آیات قابل استناد برای موضوع بالا هستند، مثلاً در "آیه ۱۰۴ سوره آل عمران" که می فرماید:

**"باید از میان شما امتی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند"**

که با توجه به معانی "امت" که تا حدودی معنای "سازمان یافته" را می دهد می توان استنباط نمود که منظور از "امت"، جمعی است که دارای ابزار و اختیار قانونی می باشند. یا در "آیه ۴۱ سوره حج" که می فرماید:

**"یاران خدا کسانی هستند که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را به پای می دارند و زکات را ادا می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و پایان همه کارها با خداست."**

در این آیه به طور مستقیم اشاره به قدرت مندان شده است که این نیز موید هم دولتی بودن امر به معروف و نهی از منکر و هم اختیار داشتن آن است.

در هر حالتی چه عمومی بودن امر به معروف و نهی از منکر و چه ادعای بالا را قبول داشته باشیم واقعیت این است که حداقل ۹۰٪ این دو فریضه مسئولیتی دولتی است [۳].

در بخش های پیشین در خصوص شرایط امر به معروف، دردو شرط، یکی عینی و کفایی بودن و دیگری شرط تأثیر با نگرش به اهمیت آن، در تحلیل این نوشتار، بحث بیشتری شد.

در بحث عینی و کفایی بودن، امور را به دو بخش تقسیم نمودیم؛ یکی امور عمومی و دیگری امور اختصاصی. گفته شد که در امور عمومی مانند جامعه، بازار، عبور و مرور و مواردی از این قبیل که تشخیص منکر و مضر بودن آن آشکار است و نیاز به تشریح و تبیین ندارد، امر به معروف و یا نظارت همگانی است و همگان می توانند ناھی یا آمر باشند. مثلاً کم فروشی، گران فروشی، عبور از چراغ قرمز، پوشش زن و مرد، آلودگی صوتی و... مواردی است که هر کسی به محض دیدن آن می تواند تذکر مشفقانه بدهد. ولی در امور اختصاصی چنین نیست. برای نمونه در امور امنیتی به فرض اگر کسی متوجه شد که شخصی به طور پنهانی مشغول پخش اعلامیه های مضره است آیا می تواند به شخص تذکر بدهد، یا این که موظف است آن را گزارش کند. هر چند که گزارش کردن آن به مصادر امور خود نیز نوعی امر به معروف و نهی از منکر است ولی غیر مستقیم است. به ویژه موضوعات امنیتی و انتظامی از موارد مهم و اختصاصی در بحث فوق می باشد که با توجه به همین موضوع در این نوشتار هم به عینی و هم کفایی بودن آن بنا به شرایطی اشاره شده است.

اما در بحث اثر گذاری امر به معروف و نهی از منکر، در مباحث قبلی گفته شد که برای اثر گذاری باید مقدماتی تهیه شود که بتواند اثر گذار شود. حتی به نقل از برخی فقها گفته شد که اگر مقدمه تأثیر امر به معروف و نهی از منکر، تشکیل "حکومت اسلامی" باشد، حکومت اسلامی واجب می شود. بنابراین تهیه مقدمات اثر گذاری نیز از عهده تک تک مردم خارج است. تهیه مقدمات در واقع همان ایجاد اختیارات قانونی همراه با ابزار قانونی است که در صورتی که فرد به طریق زبانی نپذیرفت، باید از اهرم قانونی در جهت باز داشتن او استفاده شود. یا به عبارتی از اهرم الزام و اجبار استفاده شود. مثلاً در عبور از چراغ قرمز اگر کسی نپذیرفت باید مسئولی باشد که او را جریمه کند. و این الزام قانونی است که شخص به موجب



قانون مسئولیت یافته است. و مسئولیت او نیز برای خلافکار مشروعیت و مقبولیت دارد. و این موضوع در موارد دیگر هم قابل تسری است.

با این توصیف می توان نظر استاد عمید زنجانی را که قائل است که ۹۰٪ امر به معروف و نهی از منکر وظیفه دولت است، به درستی پذیرفت. اما با پذیرفتن این موضوع کار پایان نمی یابد و مشکل اصلی هم چنان باقی است که چه کسی مسؤول امر به معروف و نهی از منکر در دولت است. آیا در اجرای این دو فریضه مهم ضرورت تشکیل سازمانی مستقل و با همین نام الزامی است یا این که راه کارهای دیگری وجود دارد؟

در اسلام تأکید شده که مردم هم مسئول خود و هم مسئول دیگران هستند. مسئولیت دیگران را داشتن به دو صورت ممکن است؛ اول این که همان جنبه عمومی نظارت داشتن است که قبلاً بحث شد و دوم این است که علاوه بر جنبه عمومی داشتن، برخی اشخاص عملاً به عنوان مسئول، مدیر و... مسئول عده ای از زیردستان هستند که در این جا هم از بعد نظارت عمومی که اسلام اجازه داده، می توانند در برخی امور آنها را هدایت نمایند و هم دارای اختیارات قانونی هستند که بر طبق قانون الزاماً باید نظارت نمایند که زیردستان برابر مقررات جاری و ضایف و تکالیف خود را نسبت به مردم به درستی انجام دهند. اگر هدف از امر به معروف و نهی از منکر را جریان صحیح امور در جامعه بدانیم، پس اولین مسئول، سلسله مراتب سازمانی ادارات از پایین ترین رده تا بالاترین رده است که در یک وزارتخانه، وزیر مربوطه می باشد. سلسله مراتب سازمانی به لحاظ اختیارات سازمانی، هم قانوناً الزام دارد و هم عرفاً می تواند از اختیارات قانونی در جهت سیر صحیح امور استفاده کند و از اهرم های تشویق و تنبیه در اختیار خود بدون محدودیت استفاده نماید.

اما همه امور جامعه در مسئولیت های سلسله مراتب سازمانی نیست. بلکه در جاهایی سلسله مراتب سازمانی جدا و وظایف سازمانی نیز جدا هستند، مثلاً در دادگستری، دادگاه ها و هم چنین نیروی نظامی و انتظامی و نیروهای امنیتی و موارد مشابه، وظیفه اعمال کنترل بر مردم را دارند. اینها نیز به لحاظ اختیاراتی که قانون بر عهده آنان گذاشته قادرند اعمال نظارت نمایند. برای نمونه جریمه راننده

متخلف و یا دستگیری سارق از سوی پلیس مقبولیت اجتماعی دارد و هم چنین محاکمه متخلف از سوی قاضی بنا به اختیار حکومتی مورد قبول جامعه است. از طرفی همین نهادها نیز در درون خود، از طریق سلسله مراتب سازمانی، نظارت می شوند که وظایف خود را به درستی انجام دهند. یعنی پلیس یا قاضی و یا نیروی امنیتی و... در درون خود و از طریق سلسله مراتب نظارت می شوند که در ارتباط با وظایف خود، که نظارت و کنترل بر اعمال و رفتار مردم است، تخلف نکنند و از مسیر صحیح و صواب منحرف نشوند.

این همان دولتی بودن امر به معروف و نهی از منکر است. پس تا این جا به درستی روشن شد که هدف از امر به معروف و نهی از منکر از طریق نهادهای مرتبط با امور عامه مردم و از طریق سلسله مراتب سازمانی در آن نهادها و یا نهادهای دیگر قابل دستیابی است. و یا به عبارتی این وظیفه به طور عام در هر سازمانی از طریق همان سازمان و نهاد قابل تحقق است بدون این که تأثیر سوء بر روند امور در آن سازمان داشته باشد.

روش دیگری که در اجرای امر به معروف و نهی از منکر می تواند مورد نظر باشد، تشکیل نهادی با این وظیفه است، یعنی نهاد امر به معروف و نهی از منکر. حال با هر عنوان چه سازمان، چه وزارتخانه و...

باید دید تشکیل این نهاد چه مشکلاتی در بر دارد؟ در بخش های پیشین گفته شد که یکی از دغدغه های اصلی در جریان اجرای فریضه مورد نظر، امکان بروز هرج و مرج است و در همان جا به بیاناتی از امام خمینی(ره) اشاره شد که مبین نگرانی ایشان از این مساله بود. به نظر می رسد تشکیل این نهاد که بتواند اختیارات قانونی در امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد، به معنای این است که این نهاد می تواند در همه امور دخالت کند. با این توصیف مسئولیت مدیران و رؤسای مستقیم چه خواهد شد؟ آیا این نهاد صرفاً موظف است که موارد را به رؤسای مستقیم و یا به تعبیر امام(ره) به مصادر امور گزارش کند؟ یا این که می تواند مستقیماً دخالت کند و نفری را بازداشت و یا مجازات نماید. در حالت اول که گزارش به مصادر امور است، هر نهادی بخش های نظارتی در درون خودش دارد. مثل حراست، بازرسی و موارد مشابه که به طور آشکار و پنهان مسئول بررسی عملکرد

اشخاص در انجام وظایفشان می باشند که باید برابر مقررات با اطلاع مسئول مربوطه با آن برخورد نمایند. در حالت دوم هم که بازداشت و تنبیه و مجازات می باشد، در حال حاضر هم نهادهایی قانونی پیش بینی شده اند که برابر مقررات به این اعمال مبادرت می ورزند. پس این وظیفه در حال اجراست. با این حال ضرورتی در تشکیل نهادی که صرفاً مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را داشته باشد با نگرش به این که هدف از اجرای آن دو فریضه، به شرح گفته شده در حال اجرا و تحقق است، ضرورتی ندارد و در صورت تشکیل، نتیجه ای جز هرج و مرج و سلب مسئولیت از مدیران و مسئولین نخواهد داشت. اما موضوع مهم دیگری نیز در بخش های قبلی بحث شد که آن بحث فراگیری منکر و معروف بود و در آنجا بحث از وجوب فراگیری مصداق های معروف و منکر شد. این از مسائل بسیار مهم است و قطعاً از طریق بالا که در بحث نظارت، به آن توجه شد قابل تحقق نیست. یا به عبارت ساده تر رؤسا و مسئولین قادر به آموزش آن نمی باشند. لذا آنچه که در این بحث مهم می نماید مسأله آموزش است که باید ستادی در این زمینه و صرفاً با هدف آموزش معروف و منکر به عموم جامعه تشکیل شود. در حال حاضر هم ستادی با نام "ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر" وجود دارد که این ستاد باید دامنه فعالیت خود را با هدف آموزش در سطح جامعه گسترش دهد و مردم مسئولین را با مصداق های معروف و منکر آشنا نماید. بدیهی است که آشنا شدن مردم با این مصداق ها قطعاً در پیشرفت امر به معروف و نهی از منکر اثر مثبت خواهد داشت. و این فریضه بزرگ الهی را در جامعه احیا خواهد کرد. البته تشکیل ستاد فوق الزاماً به معنای استخدام گروهی با این هدف نیست، بلکه این ستاد در واقع می بایست برنامه ریز و سیاست گذار باشد و در اجرای آموزش معروف و منکر از سایر پتانسیل های موجود مانند، ائمه جمعه و جماعات، واعظین، منابر، رسانه های همگانی و... استفاده نماید.

#### □ نتیجه گیری:

سؤال تحقیق این بود که آیا می توان ستاد خاصی جهت عملیاتی کردن اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل داد؟ اصل هشتم قانون

اساسی اشاره به یکی از فروع دین که همانا امر به معروف و نهی از منکر است، دارد و به عنوان یکی از فرایض مهم اسلامی است. گفتیم که امنیت جامعه اسلامی یکی از ضرورت های مهم اسلامی است که بنا به گفته معصومین اجرای آن باعث آبادانی و پیشرفت و توسعه و سعادت جامعه می شود و ترک آن باعث می شود که ستمگران بر آن جامعه حاکم شوند و... توجه به امنیت اجتماعی وظیفه ای عمومی است که برعهده همه مردم گذاشته شده و حتی کسانی که معروف و منکر را نمی شناسند لازم است نیست به فراگیری آن اقدام نمایند تا بتوانند در انجام این فریضه اقدام نمایند. از طرفی دیگر در بحث واجب عینی و کفایی بودن این فرضیه قائل به هر دو موضوع شدیم و گفتیم که در امور عمومی امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است ولی در امور اختصاصی هم چون امور نظامی، امنیتی و موارد مشابه واجب کفایی می باشد و با نگرش به تخصصی بودن لازم است عده خاصی بدین منظور آموزش ببینند. در واقع در این تحقیق هدف از امر به معروف و نهی از منکر را اجرای صحیح امور جاری جامعه در ابعاد و قلمروهای مختلف خود دانستیم و گفتیم که در جهت اجرای صحیح آن امور لازم است نظارت صورت پذیرد. نظارت را به دو صورت همگانی و اختصاصی یاد کردیم. نظارت همگانی وظایف عامه مردم است که تقریباً ۱۰٪ این فریضه را در بر می گیرد ولی ۹۰٪ بقیه نظارت اختصاصی است که جزو وظایف دولت می باشد. دولت یا نهادهای دولتی متولی پیشبرد صحیح امور مردم می باشند. برخی نهادها مانند نهادهای انتظامی و قضایی و شهرداری ها و موارد مشابه مستقیماً با امور مردم سر و کار دارند و سایر نهادها به طور غیر مستقیم. به عبارتی برخی نهادها که مسئولیت امور نظم عمومی و جلوگیری از بی عدالتی، قانون گریزی و زورگویی و... را بر عهده دارند، در واقع متولیان امر به معروف و نهی از منکر هستند و برای اجرای صحیح امور نیاز به نظارت در درون خود نیز دارند که با توجه به آن نظارت از مسیر صحیح منحرف نشده و به فساد کشیده نشوند. در این نهادها و یا کلاً نهادهای دولتی، نظارت داخلی از طریق سلسله مراتب از پایین ترین رده تا بالا ترین رده انجام می شود. سلسله مراتب نیز دستگاه هایی مانند بازرسی، حراست و یا موارد مشابه در درون خود دارند که از طریق آنان اعمال نظارت می نمایند. بر این اساس ضرورت تشکیل نهادی که صرفاً وظیفه امر به

معروف و نهی از منکر را داشته باشد تشخیص داده نمی شود. از طرفی ممکن است ایجاد تشکیلاتی این چنین باعث دخالت بی مورد در امور و موجب کندی روند امور شود و مسئولین را در انجام وظایف بی اختیار نمایند. ضرورت دارد که موضوع امر به معروف و نهی از منکر از طریق مدیران و مسئولان و مبادی ذیربط در سازمان صورت پذیرفته و در واقع دولت خود در تمام ابعادش مسئول اجرای آن باشد. به عبارت دیگر بر اساس این استدلال، می توان گفت که امر به معروف و نهی از منکر جزو وظایف مدیران است و باید همیشه در جریان امور ساری و جاری باشد. مدیران موظفند با ایجاد سازوکارهایی که بتواند هم آشکار و هم پنهان، اعمال کارکنان را زیر نظر داشته و بدون غرض گزارش نماید و مواردی از این قبیل، به انجام این فریضه اقدام نمایند. در بحث خارج از ادارات یا به طور کلی جامعه، این وظیفه باید به مسئولین انتظامی و سایر مبادی ذیربط، همچون بسیج واگذار شود و آن ارگان ها به عنوان بازوان اجرایی، اقدام نمایند با این حال مسئولیت عمومی امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نظارت همگانی و در حد تذکر و ارشاد مشفقانه کماکان از طریق مردم عادی انجام خواهد شد.

اما علی رغم عدم ضرورت تشکیل نهاد امر به معروف و نهی از منکر با توجه به اهمیت آموزش "معروف ها و منکرها" تشکیل ستادی با هدف آموزش ضروری می باشد. این ستاد موظف است با برنامه ریزی مناسب آموزشی، مصادیق معروف و منکر را شناسایی و با استفاده از سایر پتانسیل های موجود مانند ائمه جمعه و جماعات، منابر، وسایل ارتباط جمعی و... نسبت به آموزش آن اقدام نمایند.

## □ منابع و مأخذ:

۱. ابن خلدون، عبدالرحمان؛ مقدمه ابن خلدون، مترجم: محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.
۲. بی نام، امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام خمینی (ره)، دفتر بیست و یکم، موسسه تنظیم آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۷۸.
۳. عمید زنجانی، عباسعلی، تقریرات درس حقوق اساسی و امنیت، دانشگاه عالی دفاع ملی، رشته امنیت ملی (دوره ششم)، زمستان ۱۳۸۵.
۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۳، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۳۷.
۶. نوری همدانی، حسین؛ امر به معروف و نهی از منکر، مترجم: محمد مهدی اشتهاوردی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۳.
۷. ورعی، سیدجواد، نظارت بر قدرت سیاسی در اندیشه امام (ره)، مجموعه آثار کنگره امام خمینی و اندیشه اسلامی، شماره ۶، موسسه تنظیم آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸.
۸. یزدی، محمد، سلسله سخنرانی ها پیرامون مبانی فقهی قانون اساسی، مبحث امر به معروف و نهی از منکر، دانشکده افسری امام علی (ع)، زمستان، ۱۳۶۱.
۹. امام خمینی (ره)، صحیفه نور.